

امام زمان علیه السلام



محمد تقی صرفی پور



بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

تولد حضرت در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری در سامراء بوده است. مادرش نرگس خاتون و پدرش امام عسگری (ع) می باشد.

نام حضرت محمد است ولی در کتاب «فرهنگ مهدی (ع) آمده که در کتب مختلف نامهای مختلفی برای حضرت وجود دارد از جمله: فرخنده «در کتاب اشعای نبی»، ایستاده «در کتاب شاکمونی»، بنده یزدان «در کتاب ایستاع»، بهرام «در کتاب مجوس»، پرویز به معنای پیروز و مظفر «در کتاب برزین آزر فارسیاب»، حاشر «در صحف ابراهیم (ع)»، سروش ایزد

القاب

القاب آن حضرت بشرح زیر است:

فجر، قائم، مهدی، هادی، امیر الامراء، بقیة الانبیاء، جابر، حامد، حجة، حق، حمد، خجسته، خداشناس، خسرو «سلطان عظیم الشأن»، خلیل، دابة الارض، داعی، سناء «روشنائی»، سید، صاحب، صراط، ضیاء، عالم، عدل، عصر، غوث، غیب، فتح

اما کنیه های حضرت: ابوتراب، ابو جعفر، اباصالح، ابو عبد الله و ابو محمد.

در سن پنج سالگی به مقام امامت رسید و از همان موقع غیبت صغری که سال طول کشید آغاز شد و در این مدت بوسیله نایبان خاصش به ترتیب، عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمري با مردم در ارتباط بود.

پس از رحلت علی بن محمد سمري در سال غیبت کبری آغاز شد که در این مدت نایبان عام امام عصر (ع) که فقهاء و مجتهدین شیعه هستند، رهبری مردم را در دست دارند. که امام در سخنی آنها را نمایندگان خود معرفی نمود.

بر کات حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) ج

1- ظلم ستیزی و عدالت گستری

از جمله برات مهم حکومت قائم آل محمد عج، از بین رفتن هر گونه ظلم و ستم و فراگیر شدن عدل و داد در کره زمین است.

حضرت امام محمد باقر، علیه السلام، فرمودند:

اذا قام مهدينا اهل البيت، قسم بالسويه و عدل في الرعيه

واقعا بشریت چقدر مورد ظلم ستمکاران و ابرقدرتها و حا کان کوچک و بزرگ خوانین و قلدران و اراذل و اوباش و زورگیرها و کدخداها و ظالم و امثال آنها قرار داشته و دارد. همین الان در عراق و افغانستان و فلسطین چقدر به مسلمانان ظلم می شود.. در زندان های شیوخ و حکام مرتجع عرب و امثال آنها چقدر از آزادی خواهان گرفتار و اسیر و زندانی اند. در زندان های امریکا که در سراسر دنیا بصورت علنی و مخفی برپا شده چقدر از انسان های آزاده زندانی و مورد ظلم هستند.

در کشورهای غربی مرتب حقوق بشر زیر پا گذاشته می شود و به انسان ها ظلم می گردد. سیاه پوستان، سرخ پوستان و رنگین پوستان در کشورهای مختلف مرتب مورد ظلم قرار می گیرند.

شورای امنیت با داشتن حق و تو بر احتی و در مقابل دیدگان مردم دنیا ملت ایران را مورد تهدید و تحریم و امثال آن قرار می دهد و به مردم ما ظلم می کنند.

اما وقتی حضرتش ظهور کند، به همه این ظلم ها پایان می دهد که در دعای حضرت این چنین ترسیم شده است:

لَا يَدْعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا * هَدَاهُ، وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَّهْ، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهْ، وَلَا كَـهَـ پَـایـه ای از آنها نگذارد
جز آنکه فرو ریزد و نه سری از آنها جز آنکه دو نیم کند و نه نقشه شومی جز آنکه بازش گرداند
فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهْ، وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهُ، وَلَا سَيْئَرًا إِلَّا هَتَكَهُ، وَلَا عِلْمًا إِلَّا وَهَ فاسق بد کاری جز
آنکه حدش زند و نه فرعون (گردنکشی) جز آنکه هلاکش کند و نه پرده ای جز آنکه بدرد و نه پرچی جز
نَكَّسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَسَبَهُ، وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ، آنکه سرنگونش سازد و نه
سلطنت و قدرتی جز آنکه بتصرف گیرد و نه نیزه ای جز آنکه درهم شکند و نه زوینی جز آنکه بشکند
وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ، وَلَا مِئْبَرًا إِلَّا أَحْرَقَهُ، وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَنْمًا وَهَ لشکری جز آنکه
پراکنده سازد و نه منبری جز آنکه بسوزاند و نه شمشیری جز آنکه بشکند و نه بتی
إِلَّا رَضَّهْ، وَلَا دِمًّا إِلَّا أَرَقَّهْ، وَلَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حِصْنًا إِلَّا هَدَمَهُ، جز آنکه خرد کند و نه
خونی جز آنکه بریزد و نه ستم و بیدادگری جز آنکه از میان بردارد و نه قلعه و دژی جز آنکه ویران کند
وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا خَرَّبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا وَهَ دری جز آنکه ببندد و نه
کاخ و قصری جز آنکه ویران کند و نه مسکنی جز آنکه بازرسی کند و نه زمین همواری
إِلَّا أَوْطَيْهْ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ جز آنکه زیر پا گذارد و نه کوهی جز آنکه بالا
رود و نه گنجی جز آنکه بیرون آورد .

در زمان حکومتش، آنچنان در زندگی اقتصادی مردم تحول رخ می دهد که فقر و محرومیت به پایان می رسد و به قول ظریفی در کمیته امداد و بهزیستی و نهادهای حمایتی بسته می شود! بطوری که پولدار می خواهد زکات بدهد فقیر پیدا نمی کند.

لیاتین علی الناس زمان يطوف الرجل فيه بالصدقة من الذهب ثم لا يجد احدا ياخذها منه

زمانی برای مردم پیش می آید که انسان صدقات از طلا را با خود برمی دارد؛ تا آنها در راه خدا انفاق بکند، ولی نیازمندی را پیدا نمی کند که این صدقه را قبول کند

پیامبر اکرم 6 می فرماید:

در آخر الزمان - در مدت طولانی و سختی و تنگدستی - امامی وجود دارد که به مردم بذل و بخشش می نماید، شخصی پیش او می رود و او با دو دست خویش مال را جمع نموده و به او می دهد، در آن زمان آن قدر مال و خیر به مردم می رسد که هم و غم شخص این است که در میان فامیلش کسی را بیابد که صدقه مالش را از او قبول نماید.

برخورد امام با کارگزارانش پیامبر اعظم 6 درباره نحوه برخورد حضرت مهدی با کارگزاران خود و دیگر مردمان می فرماید:

علامت و نشانه حضرت مهدی 7 این است که آن حضرت نسبت به وزراء و کارگزاران خود شدید و سخت گیر است، اموال را بذل و بخشش می کند و بر مساکین و بی نوایان، ترحم و دلسوزی می نماید.

3- ریشه کن شدن فساد

اگرچه الان دنیا را فساد فرا گرفته است همانطور که قرآن کریم پیش بینی فرموده: *ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس*

هزاران کانون فساد بصورت شبانه روز به اشاعه فساد در دنیا مشغولند که مرکزیت آنها در کشور شیطان بزرگ امریکا واقع است.

زنان هرزه در آن سر دنیا در مقابل دوربین ها برهنه ظاهر شده و بعد از چند روز فیلم و عکس آنها در دست جوانان کشورهای جهان سوم دیده می شود.

یک سوم فرزندان متولد شده در غرب، حرام زاده هستند. حیا از بین رفته است. کانون خانواده از هم پاشیده شده است. و هزاران نمونه از فراگیر شدن فساد در عالم می توانیم مثال بزنیم.

اما در زمان حکومتش، ریشه فساد و تباهی بر کنده می شود و به همه این کارهای زشت پایان داده می شود و جوانان دیگر گمراه و منحرف نمی گردند.

4- مبارزه با جهل و نادانی و ناآگاهی

یکی از مهم ترین عوامل انحراف انسانها جهل و ناآگاهی است
افراد بی دانش زود گول می خورند و سریعتر بدام صیادان صید کننده انسانهای جاهل می افتند.
هدف اصلی انبیاء دو چیز بوده است: تزکیه انسانها و آموختن کتاب و حکمت به آنان.
دین سازان، بدعت گران، شیادان، مستکبرین و امثال آنها براحتی افراد ناآگاه را صید می کنند.
این که عده ای از جوانان مملکت ما بدام سازمان مخوف منافقین افتادند بخاطر ناآگاهی بود. این همدعیان کرامت هزاران نفر را گول می زنند بخاطر ناآگاهی است. این که احزاب منافق عده ای از جوانان را بدور خود جمع کرده و علیه ارزشهای انقلاب تحریک می کنند باز بخاطر جهل است. و...
امام باقر (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر روی سر انسانها خواهد گذاشت و بدین وسیله، عقل های آنان جمع می شود و اخلاقشان کامل می شود.

5- رفاه در معیشت

اسلام عزیز با فقیر خوب است ولی با فقر دشمن است. اسلام دوست دارد مسلمانان با عزت زندگی کنند. دستشان پیش دیگران دراز نباشد. لذا قوانینی را وضع کرده که اگر مسلمانان به آن عمل می کردند دیگر کشوری مانند پاکستان بالای پنجاه درصد فقیر نداشت. دیگر در ک کشور ما عده ای با سختی زندگی نمی کردند. لذا امام عصر عجل با اجرای قوانین اسلام و با نزول بر کات الهی و عنایت ویژه خدا به نماینده خود، رفاه را جایگزین محرومیت می نماید.
(تنعم امتی فی زمن المهدی لم ینعموا مثلها قط) .
امت من در زمان حضرت مهدی، علیه السلام، آنچنان متنعم می شوند که هرگز متنعم نشده اند!

در این زمان دامها و چهارپایان زیادی می شوند. چنانکه در روایتی از پیامبر گرامی اسلام، صلی الله علیه و آله آمده است:

یخرج فی آخر امتی المهدی؛ یسقیه الله الغیث و تخرج الارض نباتها و یعطى المال صحاحا و تکثر و تعظم الامه)

در پایان امت من، مهدی، علیه السلام، خارج می شود، خداوند با باران رحمتش او را سیراب می کند، زمین گیاهش را می رویاند، ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند، و دام در جهان زیاده می شود و امت اسلام بزرگ و شکوهمند می گردد

وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَاعِلِيهِ يُرْجَوْنَ

6- حا کمیت دین خدا

اگرچه باید بشر در مقابل خدا تعظیم نموده و باید از پیامبران الهی استقبال نموده و فقط یک دین در جهان حا کم می شد اما این چنین نشد و هر پیامبری آمد قدرتمندان و مرفهین بی درد مردم را علیه او شوراندند و با آن پیامبر جنگیدند و در زمان امامان هم به همین صورت بود. و نگذاشتند دین خدا در جهان حا کم شود لذا مبتلا شدند به صدها دین دروغین و باطل حتی مبتلا شدند به شیطان پرستی.

اما با حکومت امام مهدی (ع) ج، همه ادیان و مذاهب دروغین از بین رفته و فقط دین اسلام بر کل جهان حا کم خواهد شد.

خداوند تعالی در قرآن کریم می فرماید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

او همان کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق ارسال کرد تا علی رغم میل مشرکان آن را بر تمام ادیان حا کم گرداند.

امام هفتم 7 ذیل این آیه فرمودند::

يُظْهِرُهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَج

7- اوج اعتماد و برادری و محبت بین انسانها و دیگر مخلوقات

محبت آن چنان بین مردم حا کم می شود که شخص از جیب برادرش پول بر می دارد و بعد از رفع احتیاج دوباره آن را بر می گرداند حتی محبت در بین حیوانات نفوذ کرده و گرگ و میش با هم زندگی مسالمت آمیزی دارند!

حضرت امام محمد باقر، علیه السلام، می فرمایند:

(اذا قام القائم جاءت المزاملة وياتي الرجل الى كيس اخيه فياخذ حاجته لا يمنعه)

هنگامی که قائم ما قیام می کند دوران برابری و برادری فرا می رسد در آن زمان یک مسلمان آنچه نیاز داشته باشد، از جیب برادر مسلمانش بر می دارد و او مانع نمی شود.

.پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، در این زمینه می فرماید:

تامن البهايم و السباع و تلقى الارض افلاذ كبدها... امثال الاسطوانه من الذهب و الفضة)

چهار پایان در امان باشند و درندگان سازش کنند. و زمین پاره‌های جگرش (گنجهای پنهان و با ارزش خود) را بیرون می‌ریزد... پاره‌های جگر زمین ستونهایی از طلا و نقره می‌باشد

8- گسترش امنیت

امنیت از نعمتهای گمنام است که وقتی نباشد انسان متوجه ارزش آن می‌شود.

الان وضع امنیت در دنیا در چه جایگاهی قرار دارد؟

آیا یک کشوری سراغ داریم که در آن در شبانه‌روزی که می‌گذرد هیچ تجاوز، تهاجم و خطراتی که آدمی را تهدید می‌کند نباشد؟ خیر سراغ نداریم. اگر چه از نظر امنیت کشورها باهم فر دارند و کشورها از این جهت در جایگاه خوبی قرار دارد.

ولی در زمان حضرتش، تجاوزات و تهاجمات و جنایتها و هتک حرمتها متوقف می‌گردد. به عنوان مثال خانمی ظرف پر از طلا را در دست گرفته و به تنهایی از این شهر به شهر دیگری می‌رود و کسی متعرض او نمی‌گردد.

امیر المؤمنین می‌فرمایند:

و لذبت الشحاء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهايم، حتى تمشي المرأة بين العرا الى الشام لا تضع قدميها الا على النبات و على راسها زنبيل لا يحيجها سبع و لا تخافه).

دشمنیها از دلها زدوده می‌شود، درندگان و چهارپایان با یکدیگر سازش می‌کنند، یک زن طبقی بر سر گذارده از عرا تا شام (از شرق تا غرب) تنها سفر می‌کند، همه جا قدم بر سر زمین سبز و خرم می‌گذارد و درنده‌ای او را نمی‌آزارد و دچار ترس و وحشت نمی‌شود.

البته مراد از امنیت همه جور امنیت است. امنیت جانی چه از طرف اشخاص و حیوانات درنده و موذی و چه امنیت مالی و دوری از دستبرد و راهزنی است.

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ)؛ (1) می‌فرماید: تا ویل این آیه، هنوز نیامده است... پس زمانی که تاویل آن فرا رسد، مشرکان کشته می‌شوند، مگر موحد شوند و مشرکی باقی نماند. (و در حدیث دیگری می‌فرماید: با مشرکان جنگ می‌کنند تا این که

موّحد شوند و شریکی برای خدا قرار ندهند. چنان (امنیتی حاصل) می شود که پیر زن کهنسال، از مشر به مغرب می رود، بدون آن که کسی جلوی او را بگیرد*

9- اجرای حدود

حدود الهی آنطور که باید و شاید است اجرا می گردد. دست دزد قطع شده و مانع ز کات کشته می شود و همه احکام الهی به منصفه ظهور و عمل می رسد.

10- قرآن و سنت جایگاه واقعی خود را پیدا کرده و از خرافات و تحریفات و بدعتها پاک می گردد.

"أَلَا وَفِي غَدٍ - وَ سَيَأْتِي غَدٌ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ - يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِيءِ أَعْمَالِهَا ، وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كِبِدِهَا ، وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا ، فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ ، وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ"

آگاه باشید ، در فردا - فردایی که از آمدنش و آنچه همراه دارد نا آگاهید - والی و زمامدار (با این ویژگی که بر اساس وراثت از حکومت های قبل ، یا بند و بست با گروهها و احزاب چپ و راست ، یا سرسپردگی به استعمارگران شر و غرب روی کار نیامده.

کارفرمایان و عمال آن حکومتها را بحسب تجاوزات و خیانت هایی که مرتکب شده اند ، محاکمه نموده ، به کیفر رساند؛ و زمین پاره های جگر خود را برای او بیرون آورد ، و از روی تسلیم و فروتنی کلیدهای خود (اختیار گوشه و کنار جهان) را به سوی او اندازد؛ و آنگاه او روش زمامداری و آیین داد گستری پیامبر را به شما نشان دهد ، و آثار مرده و فراموش شده کتاب و سنت را دگر بار زنده ، و به اجراء و گسترش در آورد.

ابن ابی الحدید در ذیل این فراز نوشته است:

"أن الوالی یعنی امام الذی یخلقه الله تعالی فی آخر الزمان"

بدون شک مقصود از والی در این عبارت امامی است که خداوند او را در آخر الزمان خلق خواهد کرد

11- بدعت ستیزی و ارزش گستری

از روایات و ادعیه مربوط به وجود مقدس امام زمان عج استنباط می کنیم که با حکومت جهانی حضرتش ، سنت های غلط مخصوصا در مورد ازدواج و مرگ میر و امثال آن از بین می رود. و در همه مسایل مربوط به زندگی انسانها همانند شهر سازی و ساختمان سازی ، اصول اسلامی حاکم می شود.

روایت زیر به بعضی از این امور اشاره می کند:

در حدیثی نقل شده که امام مهدی (علیه السلام) راه‌ها را وسیع می‌کند، آب‌های ناودان‌ها و فاضلاب‌ها را که به راه‌های عمومی می‌ریزد، قطع می‌کند و چیزهایی را موجب راه‌بندان می‌شوند، رفع می‌کند. خلاصه، امور شهری را سامان خواهد داد.

امام محمد باقر، علیه السلام، می‌فرماید:

وسع الطريق الاعظم و كسر كل جناح خارج في الطريق و ابطال الكنف و التايز الى الطرقات)

راه‌های اصلی را توسعه می‌دهد، بالکنهایی را که به خارج جاده‌ها آمده و از دیگران سلب آزادی کرده است از بین می‌برد، ناودانهایی را که به کوچه‌هایی ریزد از بین می‌برد

12- پایان گرفتن مصیبت‌های بشر

همه مردم دنیا خوشحال خواهند بود یعنی غم‌اندوه حاصل از گرفتاریهایی که بشریت با آن دست‌به‌گریبان است از بین می‌رود.

رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، می‌فرماید:

فيفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطير و الوحوش والحيتان في البحر).

ساکنان آسمان، مردم روی زمین، پرندگان هوا، درندگان صحراها و ماهیان دریاها همه و همه از او خشنود خواهند شد

13- رونق کشاورزی

در کشاورزی انقلابی صورت گرفته بطوری که دیگر زمین‌بایر و خشک وجود نخواهد داشت

14- کمال صنعت

در صنعت و معادن انقلابی بزرگ رخ داده و همه گنج‌های زمین استخراج می‌شود و صنعت به حد مال می‌رسد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: ... يظهر الله له كنوز الأرض و معادنها؛ خداوند، گنج‌های زمین و معادن آن را برای امام مهدی (عج) ظاهر خواهد کرد. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده که فرمود: ... هنگامی که قائم مایم کند، آسمان، باران خود را فرو خواهد ریخت و زمین، گیاهان خود را

خواهد رویانید... به گونه ای که زن، میان عرا و شام راه خواهد رفت و همه جا بر روی گیاه پا خواهد گذاشت...

15- اشاعه فرهنگ قرآن

همه مردم قرآن را فرا گرفته و از آن بهره مند می شوند.

امیر المؤمنین (علیه السلام) با اشاره به قیام حضرت مهدی (عج) می فرماید: کَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ؛ گویا شیعیان ما اهل بیت (علیه السلام) را می بینم که در مسجد کوفه گرد آمده اند و خیمه هایی برافراشته اند و در آن ها قرآن را آن چنان که نازل شده است، به مردم یاد می دهند*

16- فراگیر شدن عمران و آبادانی

همه شهرها و روستاها در سراسر کره زمین آباد شده و دیگر منطقه محروم وجود نخواهد داشت.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمِّرَ (بر روی زمین، هیچ خرابی نخواهد بود، مگر این که آباد خواهد شد).

17- پیشرفت علوم مادی

علوم مادی به مال خود می رسد

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: علم، بیست و هفت حرف است. تمام آن چه انبیا آورده اند، دو حرف است و مردم، تا امروز، بیش از آن دو حرف نمی شناسند. هنگامی که قائم ما (علیه السلام) قیام کند، بیست و پنج حرف را می آورد و بین مردم توسعه خواهد داد و به دو حرف قبلی اضافه خواهد کرد تا بیست و هفت حرف کامل شود.

18- طولانی شدن سالها

مقدار هر سال در زمان حکومت حضرت مطابق ده سال قبل از زمان ظهور است.

عن الامام الباقر (علیه السلام): (اذا قام القايم (علیه السلام) سار الى الكوفه... فيمكث على ذلك سبع سنين مقدار كل سنة عشر سنين من سنينكم هذه، ثم يفعل الله ما يشاء، قال: قلت له: جعلت فداك فكيف تطول السنون؟ قال: يأمر الله تعالى الفلك باللبوث وقله الحر که فتطول الأيام لذلك والسنون، قال: قلت له: انهم يقولون ان الفلك ان يغير فسد، قال: ذلك قول الزنادقه، فأما المسلمین فلا سبيل لهم الى ذلك، وقد شق الله تعالى القمر لبنیه (صلی الله علیه وآله وسلم) ورد الشمس قبله لیوشع بن نون (علیه السلام) واخبر بطول يوم القيامة وانه (كألف سنة مما تعدون)

19- عضویت ملائکه و جن در لشکر امام عج

این هم از برکات حکومت حضرت است که ملائکه و جن در کنار بشر یاری گر امام ع هستند.
روایت شده همانطور که سلیمان نبی ع در لشکرش از جنیان استفاده می نمود امام عج هم از جن و علاوه بر آن از ملائکه استفاده می نماید.

20- زنده شدن تعدادی از اولیاء خدا

از جمله برکات حکومت حضرتش آنست که عده ای از اولیاء خدا زنده شده و توفیق در مجاهدت در ر کاب امام را پیدا کرده و مردم آنها را زیارت می کنند.
وقد روی انه (یخرج مع القائم (علیه السلام) من ظهر الکوفه سبعة وعشرون رجلاً، خمسة عشر من قوم موسی (علیه السلام) الذین کانوا یهدون بالحق وبه یعدلون، وسبعة من أهل الکهف، ویوشع بن نون، وسلمان، وابو دجانة الأنصاری، والمقداد، و مالک الأشر فیکونون بین یدیه أنصاراً وحکاماً)

روایت شده که پانزده نفر از قوم موسی ع و هفت نفر اصحاب کهف همچنین شخصیهایی چون یوشع نبی ، سلمان فارسی، ابودجان و مقداد و مالک اشتر یاریگر امام عصر ع هستند.

21- از بین رفتن ترس و زبونی

عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر (علیه السلام) عن أبیه عن جدّه (علیه السلام) قال: قال أمير المؤمنين (علیه السلام) وهو علی المنبر: (یخرج رجل من ولدی فی آخر الزمان، ... اذا هز رایتہ أضاء لها ما بین المشرق والمغرب، ووضع یدیه علی رؤوس العباد، فلا یبقی مؤمن الا صار قلبه اشد من زبر الحديد

22- طولانی شدن عمر اصحاب امام عصر عج

كما أن أعمار أصحابه (عجل الله تعالی فرجه) تطول، قال (علیه السلام): (ويعمر الرجل فی ملكه (علیه السلام) حتی یولد له ألف ذکر لا یولد فیهم انثی)

آنقدر عمر اصحاب زیاد می شود که گاهی شخصی دارای هزار اولاد می گردد!

23- برپایی باشکوه نماز جمعه

نماز جمعه حضرت در مسجدی در پشت کوفه که هزار درب دارد برگزار شده با این وجود عده ای موفق به ورود به مسجد و حضور در نماز جمعه نمیشوند

عن أبی عبد الله (علیه السلام): (ان قائمنا اذا قام اشرق الأرض بنور ربها واستغنی العباد من ضوء الشمس، ويعمر الرجل فی ملكه حتی یولد له ألف ذکر لا یولد فیهم انثی، وینی فی ظهر الکوفه مسجداً له ألف باب،

و يتصل بيوت الكوفه بنهر كربلاء وبالحيرة حتى يخرج الرجل يوم الجمعة على بغله سوفاء يريد الجمعة فلا
يدر كها

24- تسخير ابرها بدست امام عج

امام بوسيله ابرها در آسمانها حر كت واز اين قاره به قاره ديگر مسافرت مي نمايد.
امام صادق فرمود:

وان الله تعالى يسخر له (عليه السلام) سحاباً فيه الرعد والبر، فيجلس الامام عليه، فيذهب الغمام به الى
طير السماوات السبع والأرضين السبع، وهكذا لأصحابه فان بعضهم يسير في السحاب

25- كمك كردن حيوانات درنده به حضرت

فعن أبي جعفر (عليه السلام) قال: (كأنني بأصحاب القائم (عليه السلام) وقد أحاطوا بما بين الخافقين فليس من
شيء الا وهو مطيع لهم حتى سباع الأرض وسباع الطير، يطلب رضاهم في كل شيء حتى تغمر الأرض على
الأرض وتقول: مر بي اليوم رجل من أصحاب القائم

26- اعجاز در اطعمه و اشربه

در طول جنگها و مسافرت هاي امام با يارانش نيازي به تهيه آذوقه نيست و به اعجاز الهي غذا و آب براي
آنها آماده مي گردد.

وقد ورد عن الامام الباقر (عليه السلام) انه قال: (اذا قام القائم بمكة وأراد أن يتوجه الى الكوفه نادى مناد: ألا
لا يحمل أحد منكم طعاماً ولا شراباً، ويحمل معه حجر موسى بن عمران (عليه السلام) الذي انبجست منه
اثنتا عشرة عيناً، فلا ينزل منزلاً الا نصبه فانبعثت منه العيون، فمن كان جاعاً شبع ومن كان ظمناً روى، فيكون
زادهم حتى ينزلوا النجف من ظاهر الكوفه، فاذا نزلوا ظاهرها انبعثت منه الماء واللبن دايماً،
فمن كان جاعاً شبع ومن كان عطشاً روى

بقية الله

يكي از القاب امام عصر عج، بقيه الله است.

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

اين بقيه الله التي لا تخلو من العتره الهاديه؟ * دعای ندبه *

در اين نوشتار به توضيح لقب بقيه الله مي پردازيم.

بقيه الله يعنى امام عصر شخصيتي است كه باقيمانده از هزاران حجت الهي است. حجت هاي الهي شامل پيامبران
و جانشينان آنها يكي يكي آمدند و رفتند. پيامبر اسلام نيز بعد از 63 سال رحلت كردند. امير مؤمنان هم بعد از
63 سال زندگي پير بر كت بشهادت رسيدند و رفتند. و همين طور امامان ديگر .

مستحفظا بعد مستحفظ من مدة الى مدة اقامة لدينك و حجة على عبادك...

صالح بعد صالح و صاد بعد صاد...

بقیه الله یعنی اگر کسی میخواهد به آدم

نگاه کند به امام زمان نظر کند. اگر کسی میخواهد به نوح(ع) و ابراهیم(ع) و موسی(ع) و عیسی(ع) نگاه کند به امام زمان(ع) نظر کند.

اگر کسی میخواهد به جمال حضرت محمد (ص) نگاه کند به امام زمان(ع) نظر کند.

اگر کسی می خواهد به صورت و سیرت فاطمه(س) و علی(ع) نظر کند به امام عصر(ع) نظر بیاندازد و خلاصه امام عصر(ع) آئینه تمام نمای هریک از امامان(ع) است.

این معنای بقیه الله است که امام عصر(ع) در صورت و سیرت پیامبر گونه و امام گونه است.*

معنای دیگر بقیه الله این است که علوم و دانش همه انبیاء(ع) و امامان(ع) در امام عصر(ع) جمع شده است. البته امام عصر(ع) از زمان امامت تا زمان ظهور علوم همه پیامبران را دارد ولی بعد از ظهور علمی که بشر تا آن روز به آن نرسیده و حتی پیامبران به آن دست نیافته اند را به بشریت عرضه می نماید. که در حدیث است که علم بیست و هفت حرف است. آنچه همه پیامبران آوردند دو حرف بوده است و امام زمان در زمان ظهورش بیست و پنج حرف دیگر را می آورد.

او به همه کتابهای آسمانی آشناست. او به همه زبانها آگاهی دارد. او گذشته و آینده افراد را به اذن الهی می داند.

معنای دیگر بقیه الله آنست که امام باقی مانده تا حکومت عدل الهی را در سراسر جهان برپا کند. او باقی مانده تا احکامی را که در آنها تحریف ایجاد شده، به اصلش برگرداند. لذا امام عصر(ع)، نماز را، نماز جمعه و جماعت را، مساجد را، منابر را، ساختمانهای مسکونی را به آنطور که خدا راضی است برمی گرداند. زکات را با اجبار می گیرد و مانع زکات را گردن می زند. حدود الهی را همگی اجرا می نماید. در اثبات جرم، بدون شاهد همانند داد(ع)، قضاوت می نماید.

رفتار امام مهدی(ع) در دوران حکومت جهانی

یکی از معانی بقیه الله این است که حضرت باقی مانده تا قدرت خدا را بر جهان حاکم کند

آیا رفتار امام مهدی(ع) و مردم زمان او با چهره سایر امامان و مردمان در غیر زمان حکومت مهدی(ع) متفاوت است؟

آری خداوند، رفتار آقا امام زمان(ع) را متفاوت با رفتار سایر ائمه علیهم السلام قرار داده است.

اگر امیر مؤمنان(ع) بخاطر مصالح اسلام بیست و پنج سال خانه نشین شد و مجبور بود که به مسجد رفته و پشت سر امام جماعت آن زمان نماز بخواند و با اینکه معدن علم و گنجینه فضایل بود ولی مردم متوجه این شخصیت

بزرگ نبودند و به کارهای خود مشغول بودند و از حضرت استفاده نمی نمودند و در دوران پنجساله حکومت هم باز امام مظلوم بود و گاه برای جمع آوری سپاه چندین روز تلاش می کرد و آنوقت تعداد کمی لیبک می گفتند وعده ای هم با حضرت دشمنی می ورزیدند و گاه در حال سخنرانی به حضرت ناسزا می گفتند و خلاصه مظلومانه زندگی نمود و مظلومانه شهید شد...

اگر امام مجتبی (ع) ده سال با مظلومیت زندگی کرد و باید به خلیفه احترام می گذاشت و او را امیرالمؤمنین خطاب می کرد و...

اگر امام حسین (ع) ده سال با مظلومیت زندگی کرد و در ظاهر باید از خلیفه وقت اطاعت مینمود و او را جانشین خدا و... صدا می کرد و در آخر با مظلومیت کشته شد و اهل و عیالش را به اسیری بردند.

اگر امام سجاد (ع) سال با مظلومیت زندگی کرد و در تحت بیعت خلفای فاسق بود و..

اگر امام باقر (ع) یست سال امامتش را در زیر اطاعت خلفای ظالمی چون هشام بن عبدالملک بسر برد و باید به دستورات او عمل می نمود.

اگر امام صادق (ع) مظلومانه زندگی نمود و بارها مورد ظلم واقع شد که گاه درب خانه او را آتش می زدند

و مرتب به شام فراخوانده می شد و باید خلفای فاسق مثل منصور را امیر مؤمنان می خواند و...

اگر امام کاظم (ع) ال در سیاهچالهای هارون و خلفای فاسق و ستمگر زندگی نمود

اگر امام رضا (ع) سال امامت خود را با مظلومیت گذراند و مامون عباسی هر دفعه به یک نحو به حضرتش جسارت میکرد و حتی از نماز عید خواندن حضرت جلوگیری می نمود و امام را وسط راه بر میگرداند و در آخر هم او را با زهر شهید نمود.

اگر امام جواد (ع) در بیست و پنج سالگی با مظلومیت شهید شد.

اگر امام هادی (ع) را چنان اذیت می کردند که نیمه های شب او را به مجلس شراب متوکل بردند و خلیفه فاسق امر به نوشیدن شراب و خواندن شعر عاشقانه کرد.

اگر امام عسکری (ع) را سالها در زندان کردند و در محاصره لشگریان قرار دادند که به عسکری معروف شد سپس او را به شهادت رساندند.

اما، امام عصر (ع) هرگز در زیر بیعت هیچ یاغی و طاغوتی قرار نخواهد گرفت و با هیچ ستمگری بیعت نکرده و نمی کند و هیچ طاغوت و فرعون را آقا و مولی و امیر صدا نمی کند و پشت سر هیچ احدی نماز نمی گذارد و هیچ قدرتمندی بر او پیروز نمی گردد.

مهدی (ع) همیشه پیروز است و مهدی (ع) همیشه با شکوه است. مهدی (ع) هیچگاه مظلوم نخواهد بود و احدی را نمی رسد که به مولای ما ظلم نماید.

مهدی (ع) بت شکن و فرعون کش و ذلیل کننده کفار و عزت دهنده به مؤمنان است.

مهدی (ع) ابر قدرت است. مهدی شکننده شوکت ستمگران است.

مهدی (ع) خوار کننده هر قدر تمند، خراب کننده هر بنای ظلم، ویران کننده هر کاخ ستمگر، آزاد کننده هر زندانی مظلوم، خنثی کننده هر توطیه علیه دین، سرنگون کننده هر پرچم ظلم، نابود کننده هر فرعون، درهم شکننده هر لشکر کفر، آتش زننده بتها، ریزنده خون مستکبرها، ویران کننده دژهای ستم، بالا رونده از همه کوهها و دشتهای تسخیر کننده همه گنجها و به اطاعت درآورنده همه سرزمینهاست.

چرا عده‌ای از افراد باتقوا و پاکدامن هر چه دعا می کنند موفق به دیدار امام زمان (ع) نمی شوند؟ زیرا اینگونه نیست که هر که خوب باشد جمال دلربای حضرت را ببیند. بلکه رؤیت حضرت بر اساس حکمت است و هر که را که حکمت الهی ایجاب کند این توفیق نصیبش می شود همچنین توفیق زیارت حضرتش دلیل بر این نیست که فرد زیارت کننده از باقی مردم بالاتر است چه بسا افرادی باشند که توفیق زیارت حضرتش را پیدا نکنند ولی از نظر تقوا و علم و فضیلت از بعضی از کسانی که این توفیق را داشته اند بالاتر باشند. روزی دیدند که آخوند ملاعلی معصومی همدانی دست بر محاسن گرفته و مغموم و ناراحت نشسته است. طلبه‌ای پرسید از چی ناراحت هستید؟ فرمود از اینکه بیش از 50 سال است که نوکری امام زمان رami کنم اما چرا آقا جمال خود را بمن نشان نمی دهد؟

همچنین دیدار امام عصر (ع) هدف نیست بلکه هدف انجام وظایفی است که حضرتش انتظار دارند شیعیان انجام دهند. اگر کسی موفق به انجام وظیفه شد حتی اگر توفیق زیارت مهدی (ع) ج را نداشت باکی نیست همینکه قلب مقدسش از ما راضی باشد زهی سعادت است.

«چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

امام خمینی (رض)

مصطفی سیرت، علی فر، فاطمه عصمت، حسن خو
هم حسین قدرت، علی زهد و محمد علم و مه رو
شاه جعفر فیض و کاظم علم و هفتم قبله گیسو
هم تقی تقوا، نقی بخشایش و هم عسگری مو

مهدی قائم که در وی جمع اوصافی چنان شد.

پادشاه عسگری طلعت، نقی بخشایش، تقی فر
بوالحسن فرمان و موسی قدرت و تقدیر جعفر
علم باقر، زهد سجاد و حسین تاج افسر
مجتبی حکم و رضیه عصمت و دولت چو حیدر

مصطفی اوصاف، مجلای خداوند جهان شد

آیه الله خامنه ای:

دل از یخودی سر از خود رمیدن است	جان را هوای از قفس تن پریدن است
از بیم مرگ نیست که سر داده ام فنان بانگ	جرس ز شوق به منزل رسیدن است
دستم نمی رسد که دل از سینه برکنم	باری علاج شوق، گریبان دریدن است
شامم سیه تر است از گیسوی سرکشت	خورشید من بر آید که وقت دمیدن است
سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی	مرغ تکه در آرزوی پر کشیدن است
بگرفته آب و نگذ فیض حضور توهر گل	در این چمن که سزاوار دیدن است
با اهل درد، شرح غم خود نمی کنم	تقدیر قصه دل ز من ناشنیدن است

آنرا که لب به جام هوس گشت آشنا روزی «امین» سزالبِ حسرت گزیدن است

بینوایم

بینوایم نوای من مهدی است	دردمندم دواى من مهدی است
من غریبم در این زمان ولی	مونس و آشنای من مهدی است
گرچه از داغ هجر می سوزم	راضیم چون شفای من مهدی است
که به یادش ز خواب برخیزم	نیمه شب دعای من مهدی است
من نخواهم بهشت بی مهدی	جنت با صفای من مهدی است
در دم مرگ با ولایت او	آخرین حرف نای من مهدی است
چون قیامت ز خاک برخیزم	اندر آنجا ندای من مهدی است
آن که در روز حشر می بخشد	از عنایت خطای من مهدی است

مَدِّتْه‌است که منتظرِ آمدنت هستیم. می‌بینی چقدر انتظار می‌کشیم! اما تو در بینِ ما نیستی! اما نه مادر می‌گوید: آقا در بینِ ما هست و این ما هستیم که نمی‌توانیم ایشان را درک کنیم، چون ما بنده‌های گنهکاری هستیم. اصلاً خانه ما بدونِ حضورِ تو جور دیگری شده، گل‌های باغچه خانه‌مان پژمرده‌اند و شکوفه‌ای ندارند و... تو گفته‌ای که: خواهی آمد و من سالهاست که منتظرِ حضورت هستم. هر روز به استقبالِ روزی که خواهی آمد، غروب‌ها می‌روم رویِ ایوانِ خانه‌مان. رویِ چهارپایه سفیدم می‌نشینم تا وقتی آمدی مانندِ شب‌نمی بر گلبرگِ وجودت باشم؛ سر در آغوشِ مبارکت بگذارم و با دیده‌های پُراشك، از درددله‌ایم برایت بگویم.

آقا جان! دیگر بزرگ شده‌ام، اما هنوز تو نیامده‌ای. دوست دارم وقتی قرار شد که بیایی همه چیز را فراگرفته باشم تا تو را بهتر بشناسم، آنگاه جزو یارانِ منتظرت باشم.

... در خانه‌مان تنهای تنهایم و این یادِ توست که مرا از تنهایی درمی‌آورد. ما همه‌مان یعنی بابا و مامان، خودم و برادرم هزارجور حرف داریم که با تو می‌گوییم و تو فقط از آن سوی مهتاب و از پشتِ ابرهای سفید به ما لبخند می‌زنی. وقتی مادر برای آمدنت اشك می‌ریزد تو صحبت‌هایش را می‌شنوی. این را مادر به من گفته.

مهدی جان!

روز را با یادِ شب می‌کنم و هر شب منتظرت هستم. در تاریکی شب‌های ظلمانی، منتظر شنیدن صدای گام‌های درِ کویچه‌های انتظار هستم. آری من منتظر او هستم که خود نیز منتظر است.

قریب 1170 سال است که شیعیان، این مظلومان همیشه تاریخ، انتظار آمدن لحظه‌ای را می‌کشند، انتظار آن لحظه که عطر و بوی خوش محمدی صلی الله علیه و آله سراسر

جهان را یکبار دیگر معطر کند. انتظار آن لحظه‌ای که خاطره مظلومیت زهرا و علی و فرزندان‌شان را در خود نهفته دارد. انتظار لحظه‌ای که در آن طنین: «أین الطالب بدم المقتول بکربلاء» زمین و آسمان را فرامی‌گیرد.

در آن لحظه نوگل نرگس و امید شیعه از راه می‌آید. از سفری دور، به دوری قرنهای طولانی، کوله‌بار سفر «انتظار» را زمین نهاده و از درون آن، سبزی و طراوت و عدل و عدالت را که ارمغان سفر برای منتظران چشم به راه است بیرون می‌آورد. می‌دانم خود او نیز منتظر آن لحظه است، لحظه‌ای که در زمین و آسمان بانگ: «أین المضطرّ الذی یجاب إذا دعی» طنین‌انداز شود. منتظر لحظه‌ای که تکیه به دیوار کعبه داده و بانگ برآورد: «أنا بقیّة الله، (بقیة الله خیرٌ لکم إن کنتم مؤمنین)»، منتظر لحظه‌ای که وعده حق تحقق پذیرد و «جاء الحق وزهق الباطل» تحقق یابد. منتظر لحظه‌ای که مستضعفان به امر خداوند وارثان زمین شوند و پرچم «سبز آل محمدصلی الله علیه و آله» در سراسر گیتی به اهتزاز در آید.

در پس این قرن‌ها چشمانم به در دوخته شده است و منتظر آمدنت هستم.

ای مهدی جان! ای رایت رسول خدا بر دوش، ای شمشیر حیدر برکف، ای عصای موسی در دست، ای خاتم سلیمان در انگشت، ای شکوه عیسی را واجد، ای صبر ایوب را صاحب، چه دشوار است که سخنان همه را بشنویم و گوشه‌ایمان از صدای دلنشین تو بی‌بهره ماند. ای قائم! ای یادگار خدا بر زمین، ای قرآن ناطق خدا، ای زاده یاسین و طاهّا، ای فرزند صراط مستقیم، ای تسلی زهرا، ای پورعسکری، ای پایگاه مهر و محبت و ای اسطوره ایثار، برای دیدنت از کدامین کوچه بیایم. آخر در انتظار مقدم پاکت نشسته‌ایم،

حضرت علی علیه السلام چنین می فرماید:

« اللَّهُمَّ بَلَى! لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا ، وَ إِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا ، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ يَبْنَاهُ. وَ كَمْ ذَا وَ أَيْنَ أُولَئِكَ؟ أُولَئِكَ - وَ اللَّهِ - الْأَقْلُونَ عَدَدًا ، وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا. يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ ، حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ ، وَ يَزَرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ.

هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ ، وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ ، وَ اسْتَلَانُوا مَا اسْتَعْوَرَهُ الْمُتَرَفُّونَ ، وَ أَنْسَوْا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ ، وَ صَحَبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى.

أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ. آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ! انصَرِفْ يَا كَمِيلٌ إِذَا شِئْتَ. »

بار خدا یا چنین است که هرگز زمین - به لطف تو - از کسیکه با حجت و دلیل بامر حق قیام کند و دین الهی را بر پا دارد خالی نخواهد ماند ، خواه ظاهر باشد و آشکار (مثل امامان یازده گانه معصوم) خواه در حال ترس و پنهانی ، تا دلائل الهی و مشعلهای فروزان او از بین نرود. و آنها چند نفرند و کجایند؟

آنان بخدا سوگند تعدادشان اندک ، اما از حیث مقام و منزلت نزد خدا بسی بزرگ و ارجمندند. خداوند به وسیله آنان حجت ها و دلائل روشنش را پاسداری کند ، تا آنرا بکسانی همانند خود بسپارند و بذر آن را در دلهای افرادی چون خودشان بیفشانند.

علم و دانش با حقیقتی آشکار بدانها روی آورد؛ و آنها روح یقین را با نهادی آماده و پاک لمس نمایند؛ آنچه را دنیا پرستان هوس باز دشوار و ناهموار شمردند ، آنها برای خویش آسان و گوارا دانند؛ و آنچه را ابلهان از آن هراسان باشند ، بدان انس گیرند. دنیا را با تن هائی همراهی کنند که ارواحشان بجهان بالا پیوسته است. آنها در زمین خلفای الهی باشند و دعوت کنندگان بدینش.

آه آه بسی مشتاق و آرزومند دیدارشان هستم ، ای کمیل ه

توقیع حضرت صاحب الأمر صلوة الله علیه رسیده ، که می فرماید :

« إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لِنَاسِينِ لَذِكْرِكُمْ ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْبَلَاءُ وَ اسْتَظْلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَا عَلَى انْتِبَاتِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنْاقَتْ عَلَيْكُمْ ». [1] [5] [26]

یعنی : ما اهمال در مراعات شما (شیعیان) نکرده ایم و یاد شما را فراموش ننموده ایم ، و اگر این نبود ؛ هر آینه به شما بلای سخت نازل می شد ، و دشمنان شما را مستاصل می کردند ، پس بپرهیزید از خداوند و تقوا پیشه کنید ، و ما را بر بیرون آوردن شما از فتنه ای که بر شما مشرف شده است ؛ یاری کنید .

برکات وجود مقدس امام عصر (عج)

1175 سال است از ولادت آقا می گذرد و هنوز زمان ظهورش فرا نرسیده است. ولی در این مدت برکات وجودش نصیب شیعیان ومحبانش گردیده است.

از جمله برکات وجودش ، حفظ شیعه با این همه دشمنان در طول تاریخ بوده است.

هر از چندگاهی دشمنان اهل بیت برنامه ای را درست می کردند تا شیعیان را نابود کنند ولی با عنایات حضرت این توطئه ها همه خنثی شد.

از جمله :

1- توطئه از بین بردن شیعیان بحرین است که توسط وزیر ناصبی وضد اهل بیت انجام گرفت

اناری آوردند که نام عمر وابوبکر وعثمان بر روی آن افتاده بود ومی خواستند با نیرنگی شیعیان را از بین ببرند ولی امام خودرا به یکی از شیعیان نشان داد وتوطئه وزیر را افشا نمود. (2 [13])

2- همچنین در واقعه تنباکو که انگلیس می خواست از راه قرار داد
رژی بر ملت ایران مسلط شود با فتوایی که امام عصر بر دل میرزای
شیرازی فرستاد و او هم برای ملت ایران ارسال کرد، مردم قیام کردند
وانگلیس و ناصرالدین شاه شکست خورد. {سر دلبران-ص 99}

3- در مورد 21 بهمن 57 نیز امام امت با وسیله ای خبردار شد که امام
عصر دستور داده اند مردم در خانه ها ننشینند که دشمن تصمیم به کشتار
وسیع شیعیان و علمارا گرفته است، لذا به مردم اطلاع دادند حکومت
نظامی را بشکنند و دشمن شکست خورد و طاغوت سرنگون
گردید. {برداشت هایی از سیره امام خمینی ج 3 ص 158}

ولی در ترکیه آتاترک همین نقشه از بین بردن علماء را پیاده کرد
و علمارا کشتار کرد و حکومت غیر دینی ولایتیک بر سر کار آورد.

4- در سال 67 که جنگ به اوج خود رسیده بود آیه الله گلپایگانی با
همراهان به مسجد جمکران مشرف شده و طی نامه ای که در چاه
انداختند از امام عصر (ع) درخواست کمک کردند. بعد از سه روز صدام
آتش بس یکطرفه اعلام کرد.

مواردی در تاریخ علماء شیعه پیش آمده که عالمی با مردم به خاطر یک حادثه
تلخ، قطع رابطه کرده ولی با دخالت امام عصر (ع) و هدایت دهی آن حضرت
، دوباره آن عالم از انزوا بیرون آمده و با مردم ارتباط برقرار کرده است. از جمله:
1- شیخ مفید فتوا داد که زنی که مرده ولی بچه در شکمش زنده است، را دفن
نمایند! بعدا که متوجه اشتباه در فتوا شد تصمیم گرفت دیگر فتوا ندهد لذا در خانه
اش نشست و دیگر فتوا نداد. اما ناگاه از طرف امام عصر (ع) برای او پیامی ارسال
شد که ای شیخ! بر شما باد فتوا دادن و برماست که شمارا حفظ نمائیم. اقصم
العلماء تنکابنی {

2- در هنگام اقامه نماز جماعت در صحن امیرالمومنین (ع) توسط آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی، پسر روحانی ایشان که در نماز جماعت حاضر بود بوسیله شخصی کشته شد.

آیه الله اصفهانی، بعد از شهادت فرزندش سید حسن، تصمیم گرفت که از امر ریاست و مرجعیت کناره گیری کند و از مردم انزوا بگیرد و در منزل خویش را بر روی خودی و بیگانه ببندد.

اما نامه ای از ناحیه حضرت ولی عصر (عج) برای وی صادر شد. این توقیع بوسیله ثقة الاسلام حاج شیخ محمد کوفی شوشتری که متجاوز از چهل مرتبه به مکه مشرف شده بود - برای آیه الله اصفهانی فرستاده شد. متن آن نامه شریف اینگونه بود: «أَرْخِصْ نَفْسَكَ وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدِّهْلِيزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ. نَحْنُ نَنْصُرُكَ.» یعنی: خود را براحتی در اختیار مردم بگذار! محل نشستن خود را در دهلیز (دالان) منزلت قرار بده! نیازمندیهای مردم را برطرف کن! ما هم یاریت می نماییم. {عنايات حضرت مهدی ع به علماء و طلاب ص 141}

مواردی بوده که امام به عالم شیعه در دفاع از اهل بیت (ع) کمک کرده است از جمله:

گویند یکی از مخالفین شیعه کتابی در ردّ شیعه نوشت و آن را در مجالس می خواند و به انحراف افراد می پرداخت. او این کتاب را به کسی نمی داد تا مبادا به دست علمای شیعه برسد و تناقضات آن را ظاهر کنند.

علامه حلی در صدد برآمد که هر طور شده این کتاب را به دست آورد و در ردّ آن با دلایل قاطع کتابی بنویسد. ناچار تنها راه رسیدن به این امر را در این دید که خود را بصورت شاگردی درآورد و از آن شخص درخواست کند که او را به شاگردی بپذیرد. آن مرد علامه را به شاگردی قبول نمود. بعد از چند روز علامه از او خواست تا کتاب را برای مدتی در اختیارش بگذارد. او هم حاضر شد فقط یک شب کتاب در اختیار شاگردش باشد. علامه کتاب را به خانه اش آورد و تصمیم گرفت که یک نسخه از آن رونویسی کند. او مشغول نوشتن شد ولی نیمه شب به خواب رفت. وقتی که از خواب بیدار شد متوجه شد

که کل کتاب به خط مبارک امام زمان (عج) تمام شده و در پایان به نام مبارکشان اشاره نموده‌اند. { داستانهای از زندگی علماء }

مواردی پیش آمده که امام در جنگ بین شیعه و دشمنان شیعه، به شیعه کمک رسانی نموده است از جمله:

جنگ صفین؛ و یاری امام زمان (علیه السلام)

محی الدین اربلی می گوید:

نزد پدرم نشسته بودم، مردی را کنار او دیدم که چرت می زد. ناگهان عمامه اش افتاد و زخم بزرگی که در سر داشت؛ نمایان شد.

پدرم از او پرسید: این زخم چیست؟

گفت: زخمی است که در جنگ صفین برداشته‌ام!

ما گفتیم: چه می گویی؟ قرن ها است که از واقعه صفین می گذرد؟

او گفت: در سفری با شخصی همسفر شدم، در راه مصر بودیم، در غزه^{[3][11]} با او در مورد جنگ صفین صحبت می کردم او گفت: اگر من آن زمان در جنگ صفین حضور داشتم شمشیرم را از خون علی (علیه السلام) و یارانش سیراب می نمودم.

من در پاسخ گفتم: من هم اگر در آن ایام بودم شمشیرم را از خون معاویه و یارانش سیراب می نمودم. حالا هم دیر نشده است من و تو می توانیم با هم در دفاع از علی (علیه السلام) و معاویه بجنگیم.

در این اثنا، حالت جدی به خود گرفته و با هم در آویختیم، معرکه عجیبی برپا کردیم، ضربات کاری شمشیر میان من و او رد و بدل شد، من از ناحیه سر مجروح شده و در اثر آن، از هوش رفتم. از خود

بی خود شدم و افتادم و نفهمیدم چقدر طول کشید، ناگاه احساس کردم که کسی مرا با گوشه
نیزه ای بیدار می کند.

چشمانم را گشودم، او از اسب پایین آمد و بر زخم سرم دستی کشید. احساس کردم که دیگر
دردی ندارم. آن گاه رو به من کرد و فرمود: همین جا باش تا بیایم.

ناگهان از مقابل دیدگانم ناپدید شد، مدّتی نگذشت که دیدم سر بریده دشمنم را در دست گرفته
و چهار پایان او را با خود می آورد.

وقتی به نزد من رسید فرمود: این سر دشمن تو است، چون تو ما را یاری کردی ما نیز تو را یاری
کردیم. چنان که خداوند کسی که او را یاری کند او را یاری می نماید.

عرض کردم: شما که هستید؟

فرمود: م ح م د بن حسن. و هر که از تو در مورد زخم سرت پرسید بگو: در جنگ صقین مجروح
شده ای. (4 [12])

مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در کتاب بحارالانوار و مرحوم حاجی نوری در نجم الثاقب نقل کرده اند:

که قصه ابو راجح حمّامی در حله معروف است و جمعی که مورد وثوق اند آن را نقل کرده اند و اصل قضیه این است :

شیخ زاهد عابد و محقق شمس الدّین محمد بن قارون می گوید:

در حله حاکمی بود که او را مرجان صغیر می گفتند، او مرد ناصبی ، مخالف شیعه بود.

روزی بعضی از مغرضین به او گفتند، که ابوراجح (که شیعه بود) دائماً بعضی از صحابه را لعن می کند.

مرجان دستور داد تا او را حاضر کنند وقتی او حاضر شد دستور داد او را بزنند.

ماءمورین به قدری او را زدند، که نزدیک به هلاکت رسید، تمام بدن او را مجروح کردند و آنقدر با چوب و تازیانه به صورتش زدند که دندانهای او ریخت و زبان او را بیرون آوردند و به سیمهای

آهنی آن را بستند و بینی او را سوراخ کردند و ریسمانی از مو داخل سوراخ بینی او کردند و سر آن ریسمان را به دست مأمورین دادند تا او را در کوچه های حله بگردانند و خلاصه به قدری او را اذیت کردند، که به زمین افتاد و مشرف به هلاکت بود، خبر وضع او را به حاکم (مرجان) دادند آن ظالم دستور داد که او را بکشند.

حاضرین گفتند:

او پیرمرد است و به قدری مجروح شده که خود به خود همین امشب خواهد مرد و آنها زیاد اصرار کردند، که او را نکشد.

فرزندانش جسد مجروح و بی هوش ابوراجح را به منزل بردند و تردیدی نداشتند که در همان شب خواهد مرد.

ولی صبح وقتی که مردم به نزد او رفتند دیدند او ایستاده و مشغول نماز است، بدنش سالم و داندانهایش که ریخته بود دوباره درآمده و دندانهای سالم دارد و اثری از جراحتهائی که روز قبل بر او وارد شده دیده نمی شود.

مردم تعجب کردند، از او پرسیدند چه شد که آن همه جراحت از بدن تو برطرف شد.

گفت:

من در نیمه های شب، به حالی افتاده بودم، که مرگ را در یک قدمی خود می دیدم، در دل از خدا طلب دادرسی و استغاثه کردم، از مولایم حضرت "بقیة الله" ارواحنا فداه کمک خواستم، اطاق تاریک بود ناگهان دیدم، اطاق پر از نور شد حضرت "ولی عصر" (عجل الله تعالی فرجه) را دیدم

، که به اطاق من آمدند و دست مبارک خود را به روی من کشیدند و فرمودند از منزل بیرون برو و برای مخارج عیالت کاری کن، که خدا تو را عافیت عنایت فرموده است.

مساعدهای حضرت در مواقع گرفتاری علماء شیعه چه در مسئله بیماری ها و چه در مشکلات مالی نیز از جمله حمایتهای امام از شیعیان خود می باشد.

حضرت آیة الله حاج سید محمد رضای گلپایگانی فرمودند که :

در عصر آیة الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری چهارصد نفر طلبه در حوزه قم جمع شده بودند، آنها متحداً از مرحوم حاج شیخ محمد تقی بافقی که مقسم شهریه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بود عبای زمستانی خواستند آقای بافقی به مرحوم حاج شیخ عبدالکریم جریان را می گوید:

حاج شیخ عبدالکریم می فرماید:

چهارصد عبا را از کجا بیاوریم؟! آقای بافقی می گوید:

از حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می گیریم .

حاج شیخ عبدالکریم می فرماید:

من راهی ندارم که از آن حضرت بگیرم .

آقای بافقی می گوید:

من انشاءالله از آن حضرت می گیرم .

شب جمعه ای آقای بافقی به مسجد جمکران رفت و خدمت حضرت رسید و روز جمعه ، به مرحوم حاج شیخ عبدالکریم گفت ، حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) وعده فرمودند فردا روز شنبه چهار صد عبا مرحمت بفرمایند.

روز شنبه دیدم یکی از تجار چهارصد عبا آورد و بین طلاب تقسیم کرد.

{ ملاقات با امام زمان (عج) }

عالم بزرگوار صاحب کتاب وسائل الشیعه و چند کتاب علمی دیگر مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب اثبات الهداء می نویسد:

من در زمان کودکی که ده سال داشتم ، مبتلا به مرض سختی شدم که همه از درمانم عاجز ماندند، اقوامم دور بستم جمع شده بودند و برای از بین رفتن من گریه می کردند و یقین داشتند که من می میرم .

در آن شب "پیغمبراکرم " و "دوازده امام " (علیهم السّلام) را دیدم که دور من ایستاده اند.

به آنها سلام کردم و با یک یک آنها مصافحه نمودم و بین من و امام صادق (علیه السّلام) سخنی مذاکره شد، که در خاطر من مانند ولی یادم هست ، که آن حضرت در حق من دعاء کردند و وقتی با حضرت "ولی عصر" ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء مصافحه می کردم ، گریستم و گفتم ای آقا و مولای من می ترسم که با این کسالت و مرض بمیرم و موفق به تحصیل علم و عمل به آن نشوم .

فرمود:

نترس در این مرض نخواهی مرد خدا تو را شفا می دهد و عمر طولانی می کنی ، آنگاه ظرف آبی که در دست مبارکش بود به من داد، من از آن آب آشامیدم و فوراً شفا یافتم و آن مرض به کلی از من برطرف شد، خویشاوندان و اقاربم تعجب کردند و همه متحیر بودند، تا آنکه پس از چند روز آنها را از این قضیه اطلاع دادم

(حضرت مهدی (علیه السلام) در آینه کلام معصومین (علیهم السلام))

۱ - رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) :

«لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم الحق منّا و ذلك حين يأذن الله عزّوجلّ له و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلك. الله الله عباد الله فأتوه و لو على الثلج فأنّه خليفة الله عزّوجلّ و خليفتي.» ([۲۷])

«روز قیامت فرا نمی رسد مگر آنکه از بین ما «قائم حقیقی» قیام نماید. و آن قیام، زمانی خواهد بود که خدای عزّوجلّ او را اجازه فرماید. هر کس پیرو او باشد نجات می یابد و هر که از فرمانش تخلف ورزد، هلاک می شود. ای بندگان خدا! خدا را، خدا را؛ بر شما باد که به نزدش آیید اگرچه بر روی یخ و برف راه روید. زیرا او خلیفه خدای عزّوجلّ و جانشین من است.»

۲ - امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) :

قال للحسين (عليه السلام) : «التاسع من ولدك يا حسين! هو القائم بالحق، المظهر للدين، الباسط للعدل»، قال الحسين (عليه السلام) فقلت: يا امير المؤمنين و إنّ ذلك لكائن؟ فقال (عليه السلام): «إي و الذي بعث محمداً بالنبوة و اصطفاه على جميع البرية و لكن بعد غيبه و حيرة لا تثبت فيها على دينه إلا المخلصون المباشرون لروح اليقين الذين أخذ الله ميثاقهم بولايتنا و كتب في قلوبهم الايمان و ايدهم بروح منه.» ([۲۸])

«به حسين (عليه السلام) فرمود: نهمین فرزند تو ای حسین! قیام کننده به حق و آشکار سازنده دین و گستراننده عدالت است.

امام حسین (علیه السلام) گوید: پرسیدم: یا امیرالمؤمنین! آیا حتماً چنین خواهد شد؟

فرمود: آری! قسم به کسی که حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را به پیامبری برگزید و او را بر تمام خلائق برگزید، چنین خواهد شد، اما بعد از غیبت و حیرتی که در آن کسی ثابت قدم بر دین نمی ماند مگر مخلصین و دارندگان روح یقین آنان که خداوند نسبت به ولایت ما از آنان پیمان گرفته و ایمان را بر صفحه دل شان نگاشته و با روحی از جانب خود تأیید فرموده است.»

۳ - حضرت زهرا (علیها السلام):

«قال لی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) أبشری یا فاطمة، المهدی منک.» ([۲۹])

«رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به من فرمودند: ای فاطمه! ترا بشارت باد به اینکه حضرت «مهدی (علیه السلام)» از نسل توست.»

۴ - امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود:

«ما مِنَّا احِدٌ إِلَّا وَيَقَعُ فِي عُنْقِهِ بَيْعَةٌ لِّطَاغِيَّةٍ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَخْفَى وَلادَتَهُ وَ يُغَيِّبُ شَخْصَهُ لئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنْقِهِ بَيْعَةٌ». ([۳۰])

«هیچ یک از ما اهل بیت نیست مگر آنکه بیعتی از طاغوت زمانش را اجباراً بر عهده دارد. مگر حضرت «قائم» که عیسی بن مریم، روح الله پشت سر او نماز می گذارد.

خداوند ولادت او را مخفی می دارد و شخص او را از دیدگان، غایب می گرداند، تا بیعت هیچ کس را بر گردن نداشته باشد.»

۵ - امام حسین (علیه السلام):

«مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أُولَئِهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ. يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يَظْهَرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». ([۳۱])

«دوازده هدایت شده هدایتگر از بین ما هستند، اولین آنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و آخرین آنان، نهمین فرزند من است که پیشوای قیام کننده به حق خواهد بود، خداوند به وسیله او زمین را پس از موات شدنش زنده می کند و به دست او دین حق را بر تمامی ادیان پیروز می سازد، اگرچه مشرکان را ناخوشایند باشد.»

۶ - امام زین العابدین (علیه السلام):

«إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ، أَحَدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى... فَيَطُولُ أَمْرُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مِنْ يَقُولُ بِهِ، فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوَى يَقِينَهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرْجاً مِمَّا قُضِينَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ». ([۳۲])

«برای قائم ما دو غیبت هست. یکی از آن دو طولانی تر از دیگری است... و آن قدر طول خواهد کشید که اکثر معتقدین به ولایت، از او دست خواهند کشید. در آن زمان کسی بر امامت و ولایت او ثابت قدم و استوار

نمی ماند مگر آن که ایمانش قوی، و شناختش درست باشد و در نفس خویش نسبت به حکم و قضاوت ما هیچ گرفتگی و کراهتی احساس نکند و تسلیم ما اهل بیت باشد.»

۷ - امام باقر (علیه السلام) :

راوی گوید از امام (علیه السلام) در باره آیه شریفه «فَلَا أَقْسَمُ بِالْخَنَسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ تَكْوِيرُ: ۱۵ و ۱۶» سؤال کردم. فرمود: «هَذَا مَوْلُودٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ. هُوَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْعَتَرَةِ. تَكُونُ لَهُ حِيرَةٌ وَ غَيْبَةٌ، يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا أَقْوَامٌ. فَيَا طُوبَى لَكَ إِنْ أَدْرَكْتَهُ وَ يَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ.» ([۳۳])

«مراد این آیه، مولودی در آخر الزمان است که همان مهدی از این خاندان است. او را حیرت و غیبتی هست که در آن گروههایی گمراه شوند و گروههایی دیگر هدایت پذیرند. خوشا به حال تو اگر او را درک کنی و خوشا به حال هرکسی که او را درک کند.»

۸ - امام صادق (علیه السلام) :

«إِنَّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ.» ([۳۴])

«همانا برای صاحب این امر غیبتی هست، پس بنده خدا در آن دوران باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش چنگ زند.»

۹ - امام کاظم (علیه السلام) :

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ الْمَوْتُورِ بِأَبِيهِ.» ([۳۵])

«صاحب این امر - حضرت مهدی (علیه السلام) - رانده شده، تنها، غریب، غائب و دور از اهل و خونخواه پدر خویش می باشد.»

۱۰ - امام رضا (علیه السلام) :

«... وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنِهِ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ، الْمَطَاعُ فِي ظَهْرِهِ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا.» ([۳۶])

«و بعد از امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزندش حضرت حجت قائم، امام خواهد بود آن کس که در دوران غیبتش مورد انتظار، و در زمان ظهورش مورد اطاعت مؤمنان است. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا همان روز را چنان طولانی کند که قیام فرماید و زمین را از عدالت پر کند چنانکه از ستم پر شده باشد.»

۱۱ - امام جواد (علیه السلام) :

در باره اینکه چرا حضرت مهدی (علیه السلام) «منتظر» نامیده می شود فرمود:

«إن له غيبةً يكثر أيامها و يطول أمدها فينتظر خروجه المخلصون و ينكرو المرتابون و يستهزئ به الجاحدون و يكذب فيها الوقتون و يهلك فيها المستعجلون و ينجو فيها المسلمون». ([۳۷])

«او را غیبتی هست که زمانش زیاد است و پایانش به طول می انجامد. پس مخلصین چشم انتظار قیام او می مانند و شک کنندگان به انکار او بر می خیزند و منکرین به استهزای او می پردازند و تعیین کنندگان وقت ظهور مورد تکذیب قرار می گیرند و عجله کنندگان در آن هلاک می شوند و تسلیم شدگان نجات می یابند.»

۱۲ - امام علی النقی (علیه السلام) :

«إذا غاب صاحبكم عن دار الظالمين، فتوقعوا الفرج». ([۳۸])

«زمانی که صاحب و امام شما از دیار ستمگران غایب گشت، چشم انتظار فرج باشید.»

۱۳ - امام حسن عسکری (علیه السلام) :

«المنكر لولدى كمن اقر بجميع أنبياء الله و رسله ثم انكر نبوة محمد رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و المنكر لرسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) كمن انكر جميع الانبياء لأن طاعة آخرنا كطاعة أولنا و المنكر لآخرنا كالمنكر لأولنا». ([۳۹])

«کسی که فرزندم - مهدی (علیه السلام) - را انکار کند مانند کسی است که تمام پیامبران و رسولان الهی را قبول داشته باشد، اما نبوت حضرت محمد رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) را انکار کند. و انکار کننده رسول الله مانند کسی است که همه انبیاء را انکار نماید. چون اطاعت آخرین امام ما به منزله اطاعت اولین امام است و منکر آخرین امام ما به منزله منکر اولین امام است.»